

انتقادات بر حواشی چهار مقاله

۱۲ - صفحه ۱۷۴ - از بعضی ابیات او معلوم میشود که

نام او جعفر (۴) بوده است در خطاب بطغانشاه بن الب ارسلان
سلاجوقی گوید

خسروا جانم نژند و تنکدل دارد همی

زیستن در سینوائی بودن اندر یکدری

سرد و سوزان اندر آمد باد آذر مه زدشت

تیره گون شد باغ آزادی ز باد آذرے

گو بزر جعفرے دستم ننگبری خسروا

بینوائیها و سرما ها خورم من جعفرے

نمیدانم کدام يك ازین ابیات میرساند که نام او جعفر بوده

است اگر مقصود (من جعفری) در بیت اخیر است آن ترکیب

در نسخه ایشان بغلط آنگونه ضبط شده واصل ترکیب آن با

قواعد زبان فارسی مطابق نیست و از نیروی لازم بود که نسخ دیگر

هم دیده شود زیرا اصل آن چنین است

گر بزر جعفری دستم ننگبری خسروا

بینوائیها و سرما ها خورم بی جعفرے

و غرض از رقی آنست که اگر مرا زر جعفرے نبخشی

من بی زر جعفرے سرما ها خواهم خورد زیرا مایه اے برائے

تهیه لوازم زمستان ندارم (۱)

۱۳ - صفحه ۱۷۵ - « دیگر آنکه پدر ازرقی چنانکه گذشت

معاصر فردوسی بود و وفات فردوسی مدتی قبل از سنه ۲۱؛ واقم

(۱) و باین قضیه در جلد اول از کتاب سخن و سخنوران اشاره کرده ام

شده و مستبعد است که پسر چنین کسی صد و ده سال دیگر
(یعنی تا سنه ۵۲۷) در قید حیا باشد « این در صورتی لازم
است که ازرقی در سنه ۴۲۱ متولد شده باشد و بریندعوی دلیلی
اقامه نکرده اند و گرنه میتوان ولادت ازرقی را بعد ازین تاریخ
فرض کرد و درینصورت این نالی مستبعد لازم نخواهد بود و
اگر تصور شود که ازرقی مداح طغانشاه بوده و وے در ایام
سلطنت الب ارسلان یعنی ما بین ۴۵۵ و ۴۶۵ حکومت هرات
یافته ناچار باید ازرقی را در آنهنگام بر نائی شایسته و درخور
ستایش امرا پنداشت و ازینرو باید در حدود سال مفروض متولد
شده باشد گوئیم این سخن وقتی درست است که ازرقی طغانشاه
را در اولین دور حکمرانی او یعنی ما بین سنه ۴۵۵ و سنه ۴۶۵
ستوده باشد ولی اگر فرض شود که او طغانشاه را در دوره دوم
حکمرانی وے یعنی ما بین سنه ۴۶۵ و ۴۸۵ ستوده است این
اعتراض رفع خواهد شد و درین دلیل اعتراضی دیگر هست و
آن اینست که لفظ (صد و ده سال دیگر) میرساند که ازرقی
صد و ده سال جز این مدت یعنی صد و ده سال تقریبی از سنه
۴۲۱ تا سنه ۵۲۷ که در خویشی چهار مقاله بصورت تحقیق فرض
شده در قید حیا بوده و این خلاف مقصود است و از اضافه
کلمه (دیگر) ناشی گردیده است

۱۴ - صفحه ۱۷۵ « خلاصه از قرائن ظاهر میشود که ازرقی
قبل از جلوس ملکشاه بن الب ارسلان یعنی قبل از سنه ۴۶۵ وفات
نموده و زمان وی را در نیافته است « این سخن در صورتی درست
است که ازرقی فقط در اولین دور حکمرانی طغانشاه بمدح وے
پرداخته باشد و چنانکه از تاریخ هرات مستفاد میگردد طغانشاه

در زمان پدر خود مدت زیادی حکومت نداشته و زمان حکومت دومین او بیشتر بوده و بدینجهت شاید بتوان فرض کرد که ازرقی در دومین بار از حکومت وی بمدح او شتافته و انعطاهای جزیل (که در صفحه ۱۷۲ در ضمن اشعار ازرقی ذکر شده) ازوی دیده است

۱۵- صفحه ۱۷۸ و ۱۷۹ (علاوه براین نظامی عروضی در همین فصله گوید که سلطان ابراهیم غزنوی از دنیا برفت و مسعود سعد سلمانرا در زندان بگذاشت و مدت حبس او بسبب قربت سیف الدوله محمودبن سلطان ابراهیم دوازده سال بود و چون وفات سلطان ابراهیم باتفاق مورخین در سنه ۴۹۲ است پس اگر مسعود سعد سلمان دوازده سال در حبس بوده تا او از دنیا برفته است واضح است که باید حبس او در سنه ۴۸۰ باشد نه ۴۷۲ بنا بر این یکی از دو احتمال را باید قبول کنیم یا گوئیم که صواب در عبارت متن سنه (ثمانین و اربعمائه) است یا آنکه قول نظامی عروضی که سلطان ابراهیم از دنیا رفت و مسعود سعد سلمان را در زندان بگذاشت خطاست و احتمال دوم اقرب بصواب است چه صریح اشعار مسعود سعد سلمان خود آنست که سلطان ابراهیم پس از ده سال حبس اورا عفو کرد و از زندان خلاصی بخشید و او بهنرستان رفت و در آنجا بحکومت چالندر منصوب گردید) اگر درست است که مسعود بیش از ده سال در حبس نبوده پس هر دو فرض را میتوان قبول کرد و لازم نیست که تنها یکی از دو احتمال را پذیریم چنانکه خود در صفحه ۱۴۵ هر دو احتمال را پذیرفته و بحکایت صفحه ۱۴۴ که اینجا مورد بحث شده استناد جسته اند و اگر این هر دو احتمال قبول نشده

بود مطالب صفحه ۱۴۵ راجع باغزاز حبس مسعود و انجام آن نوشته نمیشد .

۱۶ - صفحه ۱۹۴ - (ابو ریحان ظاهرا اوائل عمر خود را در خوارزم در کنف حمایت مامونیان ولایه خوارزم معروف بخوارزمشاهیه گذرانده است) ابو ریحان اوائل عمر خود را در کنف حمایت مامونیان نگذرانده بلکه او در آغاز عمر بخوارزمشاهیان معروف بآل عراق که در کاث فرمانروا بودند پیوسته و از ابونصر منصور بن علی عنایتها دیده است و پس از انقراض اینخانان بدست مامون بن محمد والسی جرجانیه و قتل ابو عبد الله محمد بن احمد بن محمد بن عراق آخرین حکمران آل عراق در سنه ۳۸۵ در خوارزم نمانده و بری و جرجان افتاده و قابوس و شمگیر او را حمایت کرده است و پس از مدتی دوباره بخوارزم برگشته و بمامونیان پیوسته است ابو ریحان در قصیده ای که راجع باحوال خود در اواخر عمر گفته و در جلد ششم از معجم الادبایا قوت صفحه ۳۱۲ و ۳۱۳ ضبط شده گوید

مضی اکثر الایام فی ظل نعمة علی رتب فیها علوت کراسیا
فآل عراق قد غذونی بدرهم و منصور منهم قد تولی غراسیا
و شمس المعالی کان یرناد خدمتی علی نقره منی و قد کان قاسیا
و اولاد مامون و منهم علیهم نبدی صنع صار للحال آسیا
و اینکه فرموده اند (مامونیان ولایه خوارزم معروف بخوارزمشاهیه) هم محل نظر است زیرا خوارزمشاه لقب عام است و مامونیان اختصاص ندارد

۱۷ - ایضاً صفحه ۱۹۴ (و کتاب الاثار الباقیه را در حدود ۳۹۰ بنام آن پادشاه فاضل (یعنی قابوس و شمگیر) تالیف نمود)

اگر چه تصریح یا قرینه بسیار واضحی برای تاریخ تالیف الآثار الباقیه بدست نیست ولیکن ابو ریحان خود در صفحه ۱۴۳ ازین کتاب گوید مثال ذلك ان يقال روز هرمز فی شهر تموز سنة احدی و تسعین و ثلثمائة فالطریق الی ذلك ان نستخرج تاریخ الاسکندر لاول المحرم سنة احدی و تسعین و ثلثمائة) و ازینجا شاید بتوان حدس زد که ابو ریحان در سال ۳۹۱ بتالیف این کتاب مشغول بوده و توان گفت که لفظ (در حدود) این معنی را میرساند چه بحسب متعارف اضافه لفظ حدود در ازمنه ممکن است قسمتی از زمانهای ما قبل مضاف الیه را (یعنی نحوی) شامل گردد مثلا در عبارت سابق یعنی در حدود سنه ۳۹۰ میتوان ۳۸۸ و ۳۹۹ را هم حدس زد ولی سنه ۳۹۱ اگر چه بحسب معنی لغوی از حدود یعنی اطراف سنه ۳۹۰ میباید لیکن بمعنی متعارف در مفهوم آن داخل نیست

۱۸ - صفحه ۱۹۷ (کتاب التفهیم فی صناعة التنجیم کتابی است در مقدمات علم هیئت و هندسه و نجوم بطریق سئوال و جواب که ابو ریحان آنرا در سنه ۴۲۰ یا ۴۲۵ برای ریحانه بنت الحسن خوارزمیه تالیف نموده است و ابو ریحان خود این کتاب را بهر دو زبان پارسی و عربی نوشته بدون اینکه یکی از آنها ترجمه ازدیگری باشد) نام این کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم است و ابو ریحان آنرا در فهرست کتب خود بهمین صورت ضبط نموده و در کشف الظنون ابتداء التفهیم فارسی که در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید موجود است نیز نام آن را چنین نوشته اند و خود آقائے قزوینی هم در پا ورقی صفحه ۱۴۵ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم مرقوم فرموده اند و نمیدانم علت تبدیل

آن در صفحه ۱۰۸ چه بوده است

تاریخ تالیف التفهیم باید همان سنه ۲۰ باشد زیرا ابو ریحان بدین تاریخ در ضمن کتاب اشاره کرده گوید ۶ پس این روز سه شنبه که بیست و پنجم ماه رمضان است اندر سال چهار صد و بیستم است از هجرت و هم هفتم است از تشرین الاول اندر سال هزار و سیصد و چهل و یکم است از اسکندر و روز اردی بهشت سیم آبانماه اندر سال سیصد و نود و هشتم از یزدگرد و ممکن است ۴۲۵ تحریف ۴۲۰ و منشأ اشتباه این باشد که ناسخی صفر را بزرگتر نوشته و ماضی آنرا ه خوانده و تاریخ تالیف التفهیم را ۴۲۵ ضبط کرده باشند و اینکه فرموده اند هیچیک از این دو کتاب از دیگران نشده تا اندازه ای محسوس تأمل است زیرا مابین مطالب این نسخه هیچ گونه تفاوتی موجود نیست حتی در انتظام جمل و ترتیب کلمات هم فرق زیادی ندارد و بدان ماند که یکی از دیگران لفظ با لفظ ترجمه شده است هر چند در مقدمه آنها این فرق هست که باریسی بی حمد و ثنا است و عربی حمد و ثنا دارد و در باریسی نام ریحان موجود ولی در عربی نام وی نیامده *راحت علی علوم انسانی*

چه خواهد بودن ؟

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| خوشتر از فکرمی و جام چه خواهد بودن ؟ | تا به بینم که سرانجام چه خواهد بودن ؟ |
| گردش ساغر می گریز بود روز و شبم ، | حاصل کردش ایام چه خواهد بودن ؟ |
| بی رخ دوست نوشم می گدای کون ساقی | بی رخس بادۀ کافام چه خواهد بودن ؟ |
| منکه باخسته دلان روز و شبم محرم خاص | دیگر آمیزش با عام چه خواهد بودن ؟ |
| دم مزنی ای دل غم دیده زنا کامی خویش ، | تا به بینم بد نا کام چه خواهد بودن ؟ |
| دیگر از نام سخن با من دل خسته مکوی | تا غم دوست مرا نام چه خواهد بودن ؟ |
| یرنواز خواجه شنو پند حکیمانه که گفت : | خوشتر از فکرمی و جام چه خواهد بودن ؟ |